



Legal Nature of Voluntary Activity in Libraries

Davoud Nojavan 

*Corresponding author, Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: d.nojavan@azaruniv.ac.ir.

Reza Akbarnejad 

Assistant Professor, Department of Knowledge and Information Science, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: akbarnejad.reza@gmail.com.

Abulfazl Nojavan 

M.A. Student, Private Law, Tabriz University, Tabriz, Iran. E-mail: abolfazl.nojavan.1379@gmail.com.

Abstract

Objective: Voluntary activities, including voluntary works/actions in libraries are new titles that, like other categories, require legal review. However, the problem is not only its novelty, but the Iranian legal system itself has a specific model in processing contracts. According to this model, identifying the nature of volunteering activities in libraries has a direct impact on the salary of the provider of volunteer activities in one hand and the library institution, on the other hand. This research tries to show that how should the nature of voluntary activities be in libraries if the law cannot expand this category in the society and at least does not prevent it from development.

Methodology: The required data were collected using the library method and analysis with jurisprudential and legal logic. The scope of legal studies is limited to Iranian law and the scope of jurisprudence studies is limited to Imami jurisprudence.

Findings: May be claimed that there are two independent Unilateral Acts, considering it as a contract is closer to the mission of law (regulation, but regarding the type of contract, by examining the relevant contracts, it has been proven that the general rules governing endowment in Iran's civil law do not include the action (work/activity) due to the assignment of the object. Also, due to Article 10 of the Civil Code, the researchers prefer justification of voluntary activity in that form over its justification in the form of peace. Including it in the form of representation also means confining the parties of this modern activity is in forms that may not be based on the will of the parties.

Conclusion: Recognized voluntary activities as a separate contract (indefinite/anonymous/non-patterned) before drafting and legislation of legal rules and related laws, based on the general rules governing contracts (in general) and the general rule mentioned in Article 10 of the Civil Code (specifically) to consider effective in principle and based on the common will of the parties and the obvious elements of this type of activities (including doing non-compulsory work and non-receipt of wages) should be interpreted. It is clarified that in this legal interpretation, public order and justice should not be harmed, for example, it should not be considered irresponsible the organization that is served (library) from a legal point of view for any expenses of the volunteer provider though it has not been stated in the contract. As it should not include issues like gifts and rewards (donations) or activity certificates with the free nature of these types of activities that are deemed inconsistent.

Keywords: Voluntary activities, Libraries, Volunteer contract, Iranian Law, Article 10 of the Civil Code

Article type: Research

How to cite:

Nojavan, D., Akbarnejad, R., & Nojavan, A. (2022). Legal Nature of Voluntary Activity in Libraries. *Library and Information Sciences*, 25(4), 95-115.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 11/10/2022
Accepted: 08/01/2023

Received in revised form: 31/12/2022
Available online: 12/03/2023


Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi
Library and Information Sciences, 2022, Vol. 25, No.4, pp. 95-115.

© The author(s)







ماهیت حقوقی فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها

داود نوجوان 

*نویسنده مسئول، استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: d.nojavan@azaruniv.ac.ir

رضا اکبرنژاد 

استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: akbarnejad.reza@gmail.com

ابوالفضل نوجوان 

دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: abolfazl.nojavan.1379@gmail.com

چکیده

هدف: جستار حاضر با هدف بررسی چگونگی استفاده از متون قانونی در بررسی ماهیت حقوقی موضوعات جدید و غیرمذکور در قانون، به دنبال این است که به طور ویژه نشان دهد فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها را باید از دید حقوقی دارای چه ماهیتی دانست.

روش‌شناسی پژوهش: اطلاعات لازم به روش کتابخانه‌ای گردآوری و با منطق فقهی و حقوقی مورد تحلیل قرار گرفته است. مطالعات حقوقی، متمرکز بر حقوق ایران و دامنه مطالعات فقهی محدود به فقه امامیه است.

یافته‌ها: ایقاع بودن و گنجایش فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها در قالب‌های معین مد نظر قانون مدنی قابل دفاع نبوده و اصرار در گنجاندن موضوعات جدید در قالب‌های معین، به عنوان شیوه‌ای برای بررسی ماهیت حقوقی موضوعات و قراردادهای نوین و غیرمذکور در متون قانونی، ممکن است دارای نتایج حقوقی ستیز باشد.

نتیجه‌گیری: تا پیش از پردازش قواعد حقوقی مربوط به قرارداد غیرالگودار فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها، بر مبنای قواعد عمومی حاکم بر قراردادها در فقه امامیه و به تبع آن در نظام حقوقی ایران، به ویژه قاعده عام مذکور در ماده ۱۰ قانون مدنی، اصولاً نافذ دانسته شده و بر مبنای اراده مشترک طرفین و عناصر بدیهی این سنخ فعالیت‌ها (مثل انجام کار غیراجباری و عدم دریافت دستمزد) تفسیر خواهد شد. در تفسیر آن، نباید نظم عادلانه آسیب ببیند، از جمله نباید کتابخانه را در مقابل مخارج داوطلب، کاملاً غیرمسئول دانست. همان گونه که نباید مواردی همچون کادو، پاداش و گواهی فعالیت را با ماهیت حقوقی آن ناسازگار دانست.

کلیدواژه‌ها: فعالیت داوطلبانه، کتابخانه‌ها، قرارداد کار داوطلبانه، حقوق ایران، ماده ۱۰ قانون مدنی

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

نوجوان، داود؛ اکبرنژاد، رضا؛ نوجوان، ابوالفضل (۱۴۰۱). ماهیت حقوقی فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۵(۴)، ۹۵-۱۱۵.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۹ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۱، دوره ۲۵، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۰۰، صص. ۹۵-۱۱۵.

© نویسندگان



مقدمه

«فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها» از جمله «فعالیت‌های داوطلبانه»^۱ است. منظور از آن کارهایی است که آزادانه و بدون اجبار انجام گرفته و هدف از آن کسب سود مالی نیست، هرچند به طور معمول همراه با پاداشی معنوی است (اسمیت، ۱۳۸۰، ص. ۲۱). این قبیل فعالیت‌ها به اشکال مختلف برای جامعه مدنی مفید بوده و از عناصر اصلی غنای سرمایه اجتماعی دانسته شده است که منجر به بهبود زندگی اجتماعی افراد می‌شود.^۲ از این رو، فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها را این گونه می‌توان معرفی کرد: کاری رایگان در کتابخانه است که آزادانه (بدون اجبار) و با هدفی غیرمالی انجام گرفته، برای جامعه مفید بوده و همراه با منافع برای داوطلب است که معمولاً پاداشی معنوی است.

با وجود این که کشورهایی از ظرفیت نیروهای داوطلب در کتابخانه‌ها بهره‌مند بوده‌اند، برخی تحقیقات نشان می‌دهد که کتابخانه‌های ایران نتوانسته از این ظرفیت استفاده شایسته و بایسته‌ای بکند (رج. مرجانی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۹ و ۱۸ و ۲۳). در راستای این مشکل، عوامل مختلفی، از جمله عوامل حقوقی قابل بررسی است. مقاله حاضر در باب ابعاد حقوقی فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها، این پرسش را به عنوان پرسشی اصلی و اساسی پیش روی خود مورد بررسی قرار می‌دهد که «بر اساس دو منبع مهم حقوق ایران (قانون و فقه امامیه)، فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها دارای چه ماهیتی است؟». نظام حقوقی ایران در پردازش اعمال حقوقی به ویژه عقود و قراردادها، سبک خاصی دارد که بدون وجود پژوهشی جامع در باب ماهیت فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها، به سختی می‌توان ماهیت آن را پردازش حقوقی کرد و چه بسا بدون وجود تحقیق مذکور بتوان عدم امکان این پردازش حقوقی را ادعا کرد. این در حالی است که حقوق ارائه‌دهنده فعالیت داوطلبانه از یک سو و حقوق نهاد کتابخانه از سوی دیگر، وابسته به همین پردازش حقوقی صحیح و منطقی است. بدون چنین شناختی، حقوق طرفین فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها در معرض آسیب است و این آسیب، ممکن است طرفین فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها را از چنین فعالیت‌هایی دلسرد کرده و موجب عدم استقبال شهروندان از آن شود. اگر طرفین فعالیت داوطلبانه حتی احساس کنند که حقوقشان در معرض خطر است و ممکن است ضرر نیز ببینند، دیگر انگیزه‌ای برای این اقدامات نخواهند داشت. در واقع، شناخت ماهیت حقوقی این فعالیت‌ها، اولین قدم در راستای حمایت حقوقی از طرفین آن است. از این رو، مقاله حاضر تلاشی است در راستای رفع ابهام از ماهیت حقوقی فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها تا با شناخت آن بتوان قدم‌های دیگر در باب حمایت حقوقی از طرفین فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها را برداشت.

1. voluntary activities

2. Freitag, 2003, p. 937 & Walters, 2002, p. 379

قانونگذار، به رغم پذیرش قرارداد خصوصی (غیرمعین) در ماده ۱۰ قانون مدنی و کاربست عقد در ترادف با قرارداد، در مصداق‌شناسی و حکم‌شناسی عقود معین از رسوم فقهی (پرداختن به عقود منصوص در ادله روایی) تبعیت کرده است. این در حالی است که چنین امری بر اساس سرشت فقه (کشف احکام شرعی از متون روایی) امری طبیعی است، اما از قانونگذاری که در پی وضع قانون عرفی برای نظم‌بخشی عادلانه به روابط یک جامعه مشخص است، قابل انتظار نیست. معین یا غیرمعین محسوب کردن فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها، تأثیر مستقیم بر کم و کیف حقوق طرفین دارد. در صورتی که معین محسوب شود، اراده طرفین فعالیت داوطلبانه اصولاً محصور در قالب‌های از پیش تعیین شده‌ای می‌شود که ممکن است از اساس ملحوظ اراده طرفین نباشد. همین امر به نوبه خود، موجب چالش‌ها و اختلافاتی بین نهاد کتابخانه و ارائه‌دهنده فعالیت داوطلبانه می‌شود و در نتیجه رغبت افراد را به شروع و تداوم این فعالیت‌ها در جامعه کاهش می‌دهد. این در حالی است که فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها مزایای اجتماعی دارد که چون حقوق نیز به نوبه خود، دانشی است برای اجتماع، نباید مانع آن شود.

دوگانه «اعمال حقوقی» و «وقایع حقوقی» در مقابل یکدیگر به کار می‌رود. منظور از اعمال حقوقی، اموری است که به نحوی وام‌دار اراده تنها و یا اراده مشترک است؛ اما وقایع حقوقی، مواردی هستند که وابسته به اراده افراد نیستند. به عبارت دیگر، اراده تنها یا مشترک، سبب آن نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص. ۹). مثلاً تلف‌کننده اموال شخص دیگر، مسئول جبران خسارات وارده است و لو این جبران را اراده نکرده باشد (رج. به صفائی و رحیمی، ۱۳۹۰). اما مثلاً تا طرفین، اراده/قصد اجاره را نکنند مسئولیتی در باب آثار قرارداد اجاره مانند تحویل خانه و ادای اجاره‌بها نخواهند داشت. عمل حقوقی از یک منظر یا عقد است و یا ایقاع. عقد، محصول اراده مشترک طرفین است مانند عقد بیع (خرید و فروش)، اما ایقاع محصول اراده تنها است. مانند فسخ و برهم زدن بیع یا ابراء ذمه بدهکار (برای آگاهی بیشتر، رج. کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص. ۲۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ص. ۵ و صفائی، ۱۳۹۵، ص. ۲۶). از منظر حقوقی بدون تردید، فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌ها، از جمله «اعمال حقوقی»^۱ است؛ از این رو، شکل‌گیری آن نیازمند اراده یک جانبه یا اراده مشترک طرفین بوده و بدون اراده واقع نمی‌شود. در این کاربرد، عمل حقوقی، کارهایی است که از روی قصد واقع شوند و موضوع آثار حقوقی باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۴۸۷). اما این، تنها پیش‌مقدمه شناخت ماهیت آن است و برای حمایت از حقوق طرفین فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها، باید به شکل دقیق‌تری ماهیت این فعالیت‌ها را از منظر حقوقی شناخت. بنابراین، رسالت مقاله حاضر کمک به شناخت دقیق‌تر این فعالیت‌ها از منظر حقوقی است.

در خصوص ماهیت حقوقی فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها، به عنوان یکی از ابعاد حقوقی این فعالیت‌ها، چه در ایران و چه در دیگر نظام‌های حقوقی، تا جایی که بررسی شده هیچ تحقیق مستقلی تاکنون انجام نگرفته است. همین، اهمیت پرداختن به عنوان مقاله حاضر را دوچندان می‌کند. هرچند در ارتباط با موضوع مقاله حاضر تحقیقاتی فقهی و حقوقی موجود است؛ اما در راستای شناخت ماهیت قرارداد فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها به دلیل مشکلی که شرح آن گذشت، نمی‌توانند چندان راهگشا باشند. همان گونه که در خصوص شناخت ماهیت قراردادهای جدید و غیرمذکور در قانون (به طور کلی) نیز، دارای چالش‌هایی هستند. به عنوان نمونه، ایزدی‌فر و کاویار (۱۳۸۷) در مقاله‌ای، ماهیت «قرارداد پیش‌فروش آپارتمان» را مورد بررسی فقهی و حقوقی قرارداده‌اند. نگارندگان این مقاله در تلاشند تا این قرارداد نوین را در قالب بیع بگنجانند. در این صورت، آثار بیع، گریبان‌گیر طرفین قرارداد پیش‌فروش آپارتمان خواهد بود. امری که ممکن است مورد توافق طرفین نبوده و از این رو، منجر به حيله برای فرار از آن آثار شود. بگذریم از این که چنین دیدی نسبت به قراردادها ممکن است باعث عدم پویایی حقوق قراردادها شود. لازمه پویایی حقوق قراردادها این است که همان گونه که حقوق دانان سنتی، قراردادهای زمان خود را از منظر حقوقی نظام‌مند کرده‌اند، با بهره‌گیری از یافته‌های آنان، حقوق پژوهشان امروزی نیز قراردادهای زمان خود را از منظر حقوقی نظام‌مند کنند (رج. قاسمی اصل اصطهباناتی، ۱۳۹۹). سبکی که شرح آن گذشت، موجب شده است که صفری و مشهدیان (۱۳۸۹) در بررسی قرارداد «فرانچایز»^۱ گنجایش آن در قالب‌های معین مد نظر قانون مدنی را مورد ارزیابی قرار دهند. طباطبایی و کیانی (۱۳۹۳) در مقام بررسی ماهیت حقوقی قرارداد پیش‌فروش آپارتمان، بی‌نام و نامعین محسوب کردن آن را بدین دلیل رد می‌کنند که «اصل آزادی قراردادی» با دامنه محدودی توسط قانونگذار پذیرفته شده و اصل مد نظر وی انعقاد قرارداد در قالب عقود معینی است که الگوهای آن را در قانون ترسیم کرده است. اگر متون و خطابات، منبع بی‌چون و چرای حقوق باشد، آنگاه چگونه می‌توان از پویایی حقوق (به طور کلی) و پویایی حقوق قراردادها (به طور ویژه) سخن گفت. حائری و دیگران (۱۳۹۲) نیز، بازاریابی شبکه‌ای را با ادعای گنجایش در قالب‌های معین مد نظر قانون مدنی، بر مبنای این پیش‌فرض که «اگر قراردادی در قالب معین بگنجد، نوبت به غیرمعین دانستن آن نمی‌رسد»، در شمار عقود معین دانسته‌اند. این در حالی است که اولاً ادعای گنجایش این قرارداد نوین در قالب‌های معین، قابل بررسی است و ثانیاً این پیش‌فرض که در صورت گنجایش قرارداد نوین در قالب‌های معین، نوبت به غیرمعین دانستن آن نمی‌رسد را با لحاظ اراده مشترک طرفین قرارداد نوین، می‌توان در ترازوی نقد قرار داد. تحقیقات نادری که در باب فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها انجام گرفته نیز، مانند (مرجانی و دیگران، ۱۴۰۰) به ماهیت حقوقی این

نوع فعالیت نپرداخته‌اند.

احتمالاً آنچه گفته شد، گویای ضرورت پرداختن به عنوان مقاله حاضر باشد. مقاله حاضر درصدد این است که با مطالعه موردی فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها، پیش‌فرض مذکور را مورد نقد قرار داده و نشان دهد که در بررسی حقوقی موضوعات و قراردادهای نوین و ذکر نشده در قانون، شایسته و بایسته است که حقوق‌پژوه به عنوان منبع از متون و خطابات قانونی در بررسی حقوقی پیش روی خود، استفاده حقوقی کند؛ نه این که منفعلانه و غیرنقادانه، بکوشد تا اثبات کند موضوع یا قرارداد نوین مد نظرش، توان گنجایش در قالب‌های مد نظر متون پیشین را دارد. با این وضعیت، نمی‌توان ادعای پویایی حقوق را داشت. بر اساس آنچه گفته شد، در مقاله حاضر جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات مورد نیاز با مراجعه به متون قانونی و آثار حقوق دانان و حقوق‌پژوهان ایرانی و همچنین فقیهان امامیه جمع‌آوری شده، سپس مورد تحلیل قرار گرفته است. آنچه در رویکرد مقاله حاضر، نمایان است، نقادانه بودن آن است. روشن است که حقوق از این قاعده که «دانش‌ها با نقد زنده می‌مانند»، مستثنی نیست.

رد ایقاع بودن فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها

در بخش حاضر، ماهیت حقوقی کار داوطلبانه‌ها در قالب «ایقاع» امکان‌سنجی می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی، «اعمال» از منظر حقوقی به دو دسته کلی «عقود» و «ایقاعات» دسته‌بندی می‌شوند. عقود جمع «عقد» مد نظر فقه اسلامی است که در نظام حقوقی ایران معادل «قرارداد»^۱ به کار رفته است. در باب این که آیا می‌توان کارداوطلبانه در کتابخانه را در قالب عقد بررسی کرد یا نه، در بخش بعد توضیح داده خواهد شد. اما بررسی آن در قالب ایقاع، موضوع بخش حاضر است. ایقاعات، جمع ایقاع و به معنای عملی حقوقی است که تشکیل آن نیازمند اراده یک‌جانبه بوده و نیازمند توافق دوجانبه نیست (رج. جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷۶۳). حال باید دید «فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، ایقاع است یا نه؟»؛ به عبارت دیگر «آیا از منظر حقوقی می‌توان فعالیت داوطلبانه در کتابخانه را ایقاع دانست یا نه؟».

کار داوطلبانه در کتابخانه نیازمند توافق بین ارائه‌دهنده فعالیت داوطلبانه از یک سو و نهاد کتابخانه از سوی دیگر است. از این رو به سختی می‌توان ماهیت آن را ایقاع دانست؛ زیرا ایقاع، عمل حقوقی دوجانبه نیست، بلکه عمل حقوقی تک‌جانبه بوده و برای انعقاد آن قصد و رضایت یک طرف کافی است (صفائی، ۱۳۹۵، ص ۲۶). آری بر اساس یک احتمال، ممکن است از ایقاع بودن آن طرفداری شود. ابتدا این احتمال مطرح و سپس مورد نقد قرار خواهد گرفت. احتمال مذکور از این قرار است که تمامی شرایط و ضوابط مربوط

به فعالیت داوطلبانه از سوی نهاد کتابخانه تعیین می‌شود و ارائه‌دهنده کار داوطلبانه به نوعی خود را ملحق بدان می‌کند. از این رو، این موارد فاقد عنصر «توافق» بوده و چون توافق، رکن هر عقدی است نمی‌توان آن را عقد دانست؛ بلکه عملی که نهاد کتابخانه انجام می‌دهد، یک ایقاع مستقل است و عملی که ارائه‌دهنده کار داوطلبانه انجام می‌دهد نیز یک ایقاع مستقل است. در واقع در این طرز تلقی، فعالیت داوطلبانه در کتابخانه متشکل از دو ایقاع مستقل است، ایقاعی از سوی نهاد کتابخانه و ایقاعی از سوی ارائه‌دهنده فعالیت داوطلبانه (رج. کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۳۵-۳۹ و قاسم‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۴۳-۴۴).

در یکی از فراخوان‌های مربوط به فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه یکی از دانشگاه‌ها آمده است: بدین وسیله، به اطلاع دانشجویان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی می‌رساند: آن دسته از دانشجویانی که علاقه‌مند به فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه مرکزی و مرکز اطلاع‌رسانی (در قالب فعالیت‌هایی از جمله راهنمایی کاربران در تأمین کتب و منابع اطلاعاتی مورد نیاز در بخش اطلاع‌رسانی، راهنمایی کاربران برای جستجوی کتاب از طریق نرم‌افزار و راهنمایی در یافتن رده‌های کتاب) هستند، می‌توانند حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۳۰ به کتابخانه مرکزی و مرکز اطلاع‌رسانی (سرکار خانم ... مسئول کار دانشجویان) مراجعه و یا با شماره تماس ۳۲۲۰۲۱۴۳ تماس حاصل نموده و اطلاعات بیشتر در خصوص چگونگی همکاری با کتابخانه در ساعات فراغت خود را کسب نمایند. ضمناً برای داوطلبان گواهی فعالیت‌های داوطلبانه توسط مدیریت کتابخانه صادر خواهد شد.^۱

فراخوان فوق، به وضوح، بیانگر این است که تمامی شرایط و ضوابط از پیش تعیین شده است و مراجعه‌کننده (داوطلب) تنها می‌تواند از آن‌ها آگاهی و اطلاع یابد؛ اما قدرتی بر تصمیم‌گیری در این خصوص ندارد. این در حالی است که در قراردادها اصل بر آزادی است و چنین مواردی را نمی‌توان در شمار قراردادها دانست. جان‌مایه دو استدلالی که به سود قرارداد نبودن این قبیل اعمال حقوقی، ممکن است طرح گردد، به قرار زیر است:

۱. در فرایند شروع فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، طرفین در شرایط برابر قرار نداشته و شرایط نهاد کتابخانه بر ارائه‌دهنده کار داوطلبانه تحمیل شده و در واقع وی در حالت «اضطرار» قرار می‌گیرد.
۲. شروع فعالیت داوطلبانه در کتابخانه با گفتگوی آزاد طرفین نیست، بلکه نهاد کتابخانه به دلیل برخورداری از توانایی‌های مختلف، شرایط خاصی را عرضه داشته و ارائه‌دهنده کار داوطلبانه را به نوعی ناگزیر می‌کند که این شرایط را بپذیرد. این با اصول حاکم بر قراردادها، همچون حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی، ناسازگار است. زیرا در قراردادها، لازم است طرفین با گفتگوی آزاد در خصوص حقوق و تعهدات خویش مذاکره کرده و به توافق برسند؛ این در حالی است که در

۱. بارگیری شده در ساعت ۱۲:۳۰ مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۴ از آدرس: <https://birjand.ac.ir/lib/fa/news/168>

فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه این گفتگو و مذاکرات آزاد وجود ندارد، یعنی یکی از طرفین در گفتگو و مذاکره برای رسیدن به توافق، دارای آزادی نیست.

ادله فوق را به طریق زیر می‌توان در ترازوی نقد حقوقی قرار داد:

نقد استدلال نخست: «اضطرار» موجب آسیب یک عمل حقوقی و یا بطلان آن بر اساس نظام حقوقی ایران نیست. چنان که ماده ۲۰۷ قانون مدنی بیان می‌دارد: «اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند، مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود». علاوه بر این، ایقاع محسوب کردن فعالیت‌های داوطلبانه ممکن است موجب ظلم به ارائه‌دهنده فعالیت‌های داوطلبانه شود. با این توضیح که، استدلال به آزاد نبودن ارائه‌دهنده فعالیت‌های داوطلبانه در مراحل شکل‌گیری آن بر این مبنا است که عدم این آزادی، ملازمه با ظلم و بی‌انصافی دارد که ناسازگار با رسالت حقوق است و از این رو، نمی‌توان آن را عقد به شمار آورد. بر فرض روایی این استدلال، مدعای نگارندگان در رد آن از این قرار است که ظلم و بی‌انصافی محتمل در صورت عقد محسوب نکردن، بیشتر از ظلمی است که در فرض عقد محسوب کردن آن، دست‌کم دامن ارائه‌دهنده کار داوطلبانه را خواهد گرفت. روشن است که بالاخره نهاد کتابخانه برخوردار از برخی قدرتها در تفسیر فعالیت داوطلبانه است و از این رو، اگر عقد محسوب نشود، احتمال این که آن را به نفع خود تفسیر کند، بیشتر از فرضی است که آن عقد محسوب شود. در فرض اختلاف و طرح دعوا نیز، عقد محسوب کردن آن، در راستای منافع دو طرف فعالیت است.

نقد دومین استدلال: آری در هر قراردادی اصل بر آزادی است که به موجب آن در مراحل مختلف قرارداد هر دو طرف در بیان و توافق بر شرایط، ضوابط و ابعاد مختلف قرارداد باید دارای آزادی باشند. حال پرسش این است که «کدام یک از اصول دارای محدودیت و استثنا نیست که این اصل برخوردار از آن نباشد؟». هر اصل مربوط به حقوق دارای استثنائاتی است که محدودکننده دامنه آن است، اصل مذکور نیز مستثنی از این امر نبوده و استثنائاتی دامنه آن را محدود کرده‌اند. در واقع، اقتضای پیشرفت و مدرن شدن جوامع، محدودیت اصل آزادی در برخی موارد است. فعالیت داوطلبانه در کتابخانه نیز از این موارد است. چنان که در فراخوان فوق، دانشجوی رشته اطلاعات و دانش‌شناسی بودن همان دانشگاه، یکی از محدودیت‌ها بوده و دیگر کسانی که اصلاً دانشجوی نیستند یا دانشجوی آن دانشگاه نیستند یا دانشجوی رشته دیگری هستند، برای شرکت در این فعالیت دارای آزادی نبوده و حق داوطلب شدن ندارند. همچنین رایگان بودن یکی از اقتضائات، این قبیل فعالیت است و طرفین در این خصوص دارای آزادی نبوده و ارائه‌دهنده این فعالیت حق اخذ دستمزد ندارد. آری، در تحدید دامنه اصل مورد بحث نباید طوری عمل کرد که ماهیت قرارداد بودن آن مورد پرسش واقع شود.

پس، هیچ یک از دو استدلال فوق، به نفع «ایقاع بودن فعالیت داوطلبانه در کتابخانه» یا «عقد و قرارداد نبودن آن» از منظر قوانین و حقوق ایران نیست. آری، می‌توان «محدودیت اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده» را در ترازوی فلسفه حقوق قرار داد و بر مبنای دیدگاه‌های مطرح در فلسفه حقوق آن را بررسی کرد که پرداختن بدان مجال دیگری می‌طلبد.

قرارداد بودن فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها

قانون مدنی ایران به عنوان مهمترین قانون ایران در خصوص قراردادها، بر اساس روشی که در پرداختن به قراردادها دارد، به جای «قرارداد» معمولاً از «عقد» استفاده کرده و در واقع، کلمه عقد را در ترادف با قرارداد استفاده کرده است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص. ۶۶). در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، عقد این گونه تعریف شده است: عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد.

روشن است که تعریف فوق از متون فقه کلاسیک اخذ نشده، بلکه به تصریح حقوق‌دانان ایران، این تعریف از ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه اخذ شده و تنها تفاوت اندکی در آن داده شده است (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۷۲). معادل ماده مذکور به فارسی از قرار زیر است: قرارداد عبارت از توافقی است که به وسیله آن یک یا چند شخص خود را در برابر یک یا چند شخص دیگر نسبت به انتقال، انجام دادن یا عدم انجام امری متعهد می‌کنند.

پس در مفهوم‌شناسی (تعریف) عقد، قانون مدنی ایران، تابع فقه نیست بلکه تابع قانون مدنی فرانسه بوده و آن را معادل قرارداد به شمار آورده که منحصر در الفاظ (گفتار) نبوده و حتی با عمل نیز واقع می‌شود. این از اطلاق ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران قابل درک است، چنان که در بیان قواعد کلی مربوط به عقود، در هیچ ماده‌ای وجود لفظ برای تشکیل عقد، ضروری و اساسی دانسته نشده است. همان طور که به عنوان نمونه در ماده ۳۳۹ قانون مدنی ایران، بیع را با دادوستد (غیر الفاظ و کلمات) نیز قابل تشکیل می‌داند؛ اما در فقه، عقد معادل قرارداد به کار نرفته بلکه منظور منحصراً ایجاب و قبول (الفاظی) است که بیانگر توافق خاصی هستند. از این رو، عقد مد نظر فقه، مترادف مطلق قرارداد نیست؛ مثلاً در تعریف عقد بیع، فقهای کلاسیک آن را «ایجاب و قبولی می‌دانند که دلالت بر انتقال مالکیت در مقابل عوض معلوم دارد» سپس بیان می‌کنند که معاطات (داد و ستد/معامله بدون گفتگو) نتیجه بیع را ندارد. در نهایت می‌گویند منظور از ایجاب و قبول الفاظی است که صراحت در بیع (خرید و فروش) دارند، مانند بعث (فروختن) اشتریت (خریدم) (عاملی، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۰۴؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۲۲۱-۲۳۴؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۱۴۴-۱۵۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص. ۲۰۳؛ غروی نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص. ۳۶؛ موسوی خویی، بیتا، ج ۲، ص. ۷۱ و شهیدی

تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ص. ۱۵۵).

بنابراین، در تعریف عقد (مفهوم‌شناسی)، قانون مدنی از فقه تبعیت نکرده است؛ اما در پرداختن به مصادیق آن (مصادق‌شناسی) راه فقها را طی کرده است، چنان که همانند متون فقه کلاسیک تنها به عقود پرداخته که در ادله روایی نام و احکام آن‌ها بیان شده است. در این راستا ذیل مواد ۳۳۸ تا ۸۰۷ قانون مدنی ایران به نوزده عقدی پرداخته که عقود هستند که حتی عنوانشان عربی بوده^۱ و از متون فقهی اخذ شده است.

منابع مکتوب (آیات و روایات) مهمترین منبع فقه اسلامی است. از این رو، طبیعی است که در فقه عقود مد نظر قرار گیرند که نام و احکام آن‌ها در همین منابع آمده است. قانون مدنی از همین رسم فقهی تبعیت و از این عقود تحت عنوان «عقود معین» تعبیر و احکام، شرایط و آثار آن‌ها را به تبعیت از فقه مکتوب کرده است. در واقع، قانون مدنی همان گونه که عناوین این عقود معین را از فقه گرفته، احکام و قواعد آن‌ها را نیز عمدتاً بر مبنای متون فقهی نوشته است.

قانون مدنی عقود معین را تعریف نکرده، اما عبارات فوق نشانگر این است که منظور وی از عقود معین، قراردادهایی است که عنوان و جزئیات احکام آن‌ها در قانون مدنی به تبعیت از فقه تعیین شده‌اند، یعنی قانون‌گذار، عنوان و احکام و قواعد آن‌ها را بر اساس فقه از قبل تعیین کرده است. بر خلاف عقود غیرمعین/نامعین که بستگی به اراده مشترک طرفین داشته و الگوی قانونی ندارند (رج کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۲-۳).

قانون مدنی در شناخت احکام مربوط به این عقود (حکم‌شناسی) نیز تابع فقه بوده و به تحولات رخ داده در عرف ایران گاه توجه نداشته است. به عنوان نمونه «بیع را تملیک عین به عوض معلوم می‌داند» (ماده ۳۳۸ قانون مدنی) و «معاوضه را عقدی می‌داند که به موجب آن یکی از طرفین مالی می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند بدون ملاحظه این که یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد» (ماده ۴۶۴ قانون مدنی). بر اساس این دو ماده، در حقوق ایران تنها تفاوت بیع و معاوضه، در قصد و اراده مشترک طرفین است. این تحلیل با عرف ایران منافات دارد، زیرا در عرف ایران زمانی عقدی را بیع می‌دانند که عوض آن پول و وجه نقد باشد. تصور بسیاری دیگر از جوامع از بیع نیز همین تصور عرف ایران است، از این رو است که بسیاری از نظام‌های حقوقی، در سرشت بیع، وجه نقد و پول را دخیل دانسته و بیع را «مبادله کالا به پول»

۱. فصل اول در بیع؛ فصل دوم در بیع شرط؛ فصل سوم در معاوضه، فصل چهارم در اجاره؛ فصل پنجم در مزارعه و مساقات؛ فصل ششم در مضاربه؛ فصل هفتم در جعاله؛ فصل هشتم در شرکت؛ فصل نهم در ودیعه؛ فصل دهم در عاریه؛ فصل یازدهم در قرض؛ فصل دوازدهم در قمار و گرویندی؛ فصل سیزدهم در وکالت؛ فصل چهاردهم در ضمان عقدی؛ فصل پانزدهم در حواله؛ فصل شانزدهم در کفالت؛ فصل هفدهم در صلح؛ فصل هجدهم در رهن و فصل نوزدهم در هبه.

می‌دانند، نه مطلق مبادله که در فقه مرسوم و رایج است.^۱ سرشت بیع در این ماده، «فرضی» است نه «واقعی». با این توضیح که در این تعریف، به سرشت واقعی بیع در خارج و در اجتماع و آنچه بین مردم متداول و مرسوم است توجهی نشده است؛ بلکه همان تعریفی که مدنظر متون فقهی بر اساس زمان و مکان خاصی بوده، مفروض گرفته شده است. وانگهی این که تفاوت بیع و معاوضه در اراده و قصد مشترک طرفین خلاصه شده، در عمل و در مقام ساخت اراده و قصد مشترک طرفین، دشواری‌هایی دارد. یکی از اساتید حقوق ایران، ریشه این چالش که تعریف قانون مدنی از بیع، شامل معاوضه نیز می‌شود را تبعیت از فکر سابق می‌داند. از منظر ایشان این ماده از تصویری که گذشتگان از بیع داشته‌اند، تبعیت کرده است و این دقیقاً ناسازگار با تصویری است که در زمان امروز از بیع در اذهان است؛ زیرا در گذشته بیع، نوعی معاوضه بوده است، به عکس امروز که متبادر از بیع، مالکیت شیء در برابر وجه نقد است (عدل، ۱۳۷۳، ص. ۲۱۸).

بنا بر آنچه گفته شد، نظام حقوقی ایران در بررسی اعمال حقوقی، درگیر دو چالش اساسی است؛ اولین چالش این است که در مفهوم‌شناسی عقد به عنوان یک عمل حقوقی متمایل به قانون فرانسه شده، در حالی که مصادیق و احکام آن‌ها را معمولاً از فقه گرفته است، در این شیوه قانونگذاری و ایجاد قاعده حقوقی، وجود ناسازگاری بین مواد قانونی و قواعد حقوقی مختلف طبیعی است (رج. ماده ۱۸۳ با ماده ۳۳۸ قانون مدنی). دومین چالش از این قرار است که با اعمال حقوقی طوری مواجهه کرده که گویا اصل بر این است که اعمال حقوقی تابعان قانون، اصولاً در قالب‌های معین و از پیش تعیین شده انجام می‌گیرد. همین به نوبه خود باعث شده که در بررسی اعمال حقوقی نوین، امکان انطباق این اعمال نوین با قالب‌های معین بررسی شود، اگر منطبق نبود، آنگاه، شروع به بررسی آن عمل نوین در قالب نامعین شود (رج. کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۲-۵). بنابراین، در ادامه ماهیت کار داوطلبانه در کتابخانه ابتدا در قالب عقود معین (بانام) و سپس در قالب عقود غیرمعین (بی‌نام) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عدم امکان گنجایش فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌ها در قالب‌های معین

قالب‌های معین/بانام یا به تعبیر قانون مدنی و حقوق ایران «عقود معین» (رج. قانون مدنی ایران، کتاب دوم، قسمت دوم، باب سوم) قراردادهایی هستند که خود قانونگذار به نام عقد تصریح و احکام و شرایط آن را معین و در واقع آن را الگودار کرده است (رج. پیرهادی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹؛ شمس و منصور، ۱۳۹۲، ص. ۱۶). ابتدا نوزده عقدی که خود قانونگذار ذیل عقود معین قرارداد داده است، بررسی می‌شود:

۱. در حقوق کامن‌لا (مثل آمریکا) در سرشت بیع، وجه نقد و پول داخل است (رج. بنجامین، ۲۰۰۸، ص. ۲-۳). همان گونه که ماده ۴۱۸ قانون مدنی جدید مصر در تعریف بیع می‌گوید: «عقدی است که فروشنده در مقابل ثمن نقدی، ملتزم به انتقال مالکیت شیء یا حق مالی به مشتری می‌شود».

اول) بیع: فعالیت داوطلبانه در کتابخانه را به هیچ وجه نمی‌توان بیع دانست، زیرا موضوع آن دو کاملاً متفاوت است. موضوع بیع، تملیک عین مال است، اما موضوع فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، کار و عمل یا فعالیت است. بگذریم از این که فعالیت داوطلبانه در کتابخانه مانند بیع، معوض نبوده و رایگان است (رج. ماده ۳۳۸ قانون مدنی ایران).

دوم) بیع شرط: نوعی بیع است که در آن توافق شده اگر فروشنده در مدت معلومی، بها را پس دهد، بتواند بیع را فسخ کند. از این رو چون موضوع آن نیز مانند مورد اول، تملیک است، فعالیت داوطلبانه در کتابخانه در این قالب نمی‌گنجد (رج. ماده ۴۵۸ قانون مدنی ایران).

سوم) معاوضه: فعالیت داوطلبانه در کتابخانه در قالب معاوضه نمی‌گنجد، زیرا سرشت معاوضی نداشته و برخلاف معاوضه، در آن دو مال در برابر هم مبادله نمی‌شود (رج. ماده ۴۶۴ قانون مدنی ایران).

چهارم) اجاره: موضوع این عقد نیز همانند بیع تملیک است، با این تفاوت که برخلاف بیع، موضوع اجاره، تملیک عین نیست، بلکه تملیک منافع است. این در حالی است که تملیک خارج از موضوع فعالیت داوطلبانه در کتابخانه است (رج. ماده ۴۶۶ قانون مدنی ایران).

پنجم) مزارعه و مساقات: یعنی شخصی در ملک دیگری زراعت کرده و یا درختان دیگری را آبیاری کند و حاصل و ثمره را طبق توافق پیشینی، تقسیم کنند. موضوع فعالیت داوطلبانه در کتابخانه با موضوع این دو عقد، همخوان نیست (رج. مواد ۵۱۸ و ۵۴۳ قانون مدنی ایران).

ششم) مضاربه: فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، مضاربه نیست؛ زیرا این گونه نیست که فردی با سرمایه دیگری، مشغول به تجارت شده و در سود و زیان شریک شوند (رج. ماده ۵۴۶ قانون مدنی ایران).

هفتم) جعاله: این عقد، متعهد شدن فردی است به ادای اجرت معلومی در مقابل انجام کاری. چون فعالیت داوطلبانه در کتابخانه سرشت رایگان دارد، نمی‌توان آن را در قالب جعاله فرض کرد (رج. ماده ۵۶۱ قانون مدنی ایران).

هشتم) شرکت: روشن است فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، شرکت در اموال دیگری نیست و از این رو، نمی‌توان آن را شرکت دانست (رج. ماده ۵۷۱ قانون مدنی ایران).

نهم) ودیعه: یک عقد اذنی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ص. ۹) و عبارت است از نگهداری اموال دیگری به شکل رایگان. موضوع فعالیت داوطلبانه انجام کار و عمل است، از این رو نمی‌توان آن را امانت (ودیعه) دانست (رج. ماده ۶۰۷ قانون مدنی ایران). آری در نتیجه توافق بر فعالیت داوطلبانه، ارائه‌دهنده فعالیت داوطلبانه، امین کتابخانه محسوب می‌شود، اما این غیر از عقد ودیعه است.

دهم) عاریه: توافق بر استفاده رایگان از اموال دیگری عاریه است که متفاوت از موضوع فعالیت داوطلبانه

در کتابخانه است (رج. ماده ۶۳۵ قانون مدنی ایران). در نتیجه توافق بر فعالیت داوطلبانه، ارائه‌دهنده فعالیت داوطلبانه از اموال کتابخانه استفاده رایگان خواهد کرد، اما این لازمه فعالیت داوطلبانه در کتابخانه بوده و عقد (توافق) مستقلی نیست.

بازدهم) قرض: در این عقد، قرض‌دهنده مالی را در مقابل این که مثل آن را بعداً قرض‌گیرنده پس دهد، تملیک می‌کند. از این رو، موضوع آن نیز تملیک بوده و با سرشت فعالیت داوطلبانه در کتابخانه (غیرتملیکی بودن)، ناسازگار است (رج. ماده ۶۴۸ قانون مدنی ایران).

دوازدهم) قمار و گرویندی: این دو، به دلیل این که نوعی دارا شدن ناعادلانه هستند، باطل محسوب می‌شوند، این در حالی است که فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، اتفاقاً، در راستای عدالت است و به هیچ وجه این دو را نمی‌توان با هم مقایسه کرد (رج. ماده ۶۵۴ قانون مدنی ایران).

سیزدهم) وکالت: اگر شخصی به دیگری اذن انجام کاری را می‌دهد، اقدام به دادن وکالت کرده است. از این رو فعالیت داوطلبانه در کتابخانه در این قالب قابل بررسی است، زیرا نهاد کتابخانه اذن انجام کاری را به ارائه‌دهنده کار داوطلبانه می‌دهد، اما گنجانیدن فعالیت داوطلبانه در این قالب، به معنی ملتزم کردن طرفین به الگویی است که قانونگذار (در مواد ۶۵۶ الی ۶۸۳ قانون مدنی ایران) ترسیم کرده است. از این رو، مقید کردن طرفین به این الگو، محدودیت‌هایی برای طرفین خواهد داشت که ممکن است ملحوظ اراده طرفین فعالیت داوطلبانه در کتابخانه از اساس نباشد.

چهاردهم) ضمان عقدی: در فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، هیچ یک از دو طرف، بدهی دیگری را بر عهده نمی‌گیرد تا بتوان آن را عقد ضمان به شمار آورد (رج. ماده ۶۸۴ قانون مدنی ایران).

پانزدهم) حواله: در فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، بدهی شخص به ذمه شخص ثالثی منتقل نمی‌شود تا آن را حواله دانست (رج. ماده ۷۲۴ قانون مدنی ایران).

شانزدهم) کفالت: در فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، احضار شخصی مورد تعهد قرار نمی‌گیرد تا آن را کفالت به شمار آورد (رج. ماده ۷۳۴ قانون مدنی ایران).

هفدهم) صلح: قانون مدنی ایران صلح را ذیل عقود معین مورد بررسی قرار داده است. صلح در معنای خاص عبارت است از توافق بر پایان اختلاف و نزاع؛ اما در معنای عام، علاوه بر مورد مذکور شامل هر نوع توافقی و با هر قصدی می‌شود، از جمله توافق بر خرید و فروش یا توافق برای پیشگیری از اختلاف. قانون مدنی ایران به موجب مواد ۷۵۲، ۷۵۴ و ۷۵۸ معنای عام صلح را مد نظر قرار دارد. روشن است که قانونگذار به تبعیت از فقه، معنای وسیع صلح را مد نظر قرار داده است؛ این در حالی است که آنچه فقها را به سمت معنای وسیع آن سوق داده، این بوده که قالب‌های معین شده در ادله نقلی پاسخگوی نیازهای زمان و مکان

نبود و بنابراین، آنان برای پاسخگویی به این نیازها به سمت معنای وسیع صلح متمایل شده‌اند؛ زیرا با توافقاتی مواجه می‌شدند که در قالب هیچ یک از عقود معین نمی‌گنجید. بنابراین، معنای عام صلح را اختیار کردند تا هر زمان، توافقی در قالب هیچ عقد معینی قابل توجیه نبود، در قالب صلح گنجانده شود (حیاتی، ۱۳۹۸، ص. ۴۲۶؛ رج. به شهیدی، ۱۳۹۱: ص. ۱۲۶-۱۳۳). در این طرز تلقی می‌توان فعالیت داوطلبانه در کتابخانه را در قالب صلح گنجانده، اما در اینجا یک ناسازگاری وجود دارد و آن از این قرار است که ماده ۱۰ قانون مدنی اصولاً هر قراردادی را نافذ می‌داند و لو معین نباشد. پس این پرسش مطرح می‌شود که «با وجود این ماده، چه لزومی بر پذیرش معنای عام صلح بوده است؟». زیرا فقها منظر خاصی نسبت به عقود داشته و به نوعی به سمت شرعی بودن آن‌ها حرکت کرده‌اند، بنابراین، جایی که توافقی در قالب هیچ یک از عقود مذکور در ادله شرعی نمی‌گنجید، صلح را شامل آن می‌دانستند. این در حالی است که قانونگذار ایران با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی، نیازی بدین امر ندارد. بنابراین، این ناسازگاری موجب اختلاف نظرهایی بین حقوقدانان شده است که در بخش بعد بررسی خواهند شد.

هجدهم) رهن: فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، مبتنی بر دادن وثیقه برای طلب نیست تا رهن به شمار آید (رج. ماده ۷۷۱ قانون مدنی ایران).

نوزدهم) هبه: این عقد نیز تملیکی است و متفاوت از موضوع فعالیت داوطلبانه در کتابخانه است (رج. ماده ۷۹۵ قانون مدنی ایران). آری، ممکن است مالی بر ارائه‌دهنده کار داوطلبانه از سوی نهاد کتابخانه هبه (اهداء) شود، اما خود فعالیت داوطلبانه در کتابخانه را نمی‌توان در این قالب گنجانده.

به نظر می‌رسد هرچند قانون مدنی ایران «وقف» را ذیل عقود معین بررسی نکرده، بلکه در ابتدای این قانون بدان پرداخته، اما در باب فعالیت داوطلبانه در کتابخانه آن هم در قالب عقد قابل بررسی است، چنان که گفته شده است: «عقد وقف، یک عقد معین است» (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۹).

بیستم) وقف: به موجب ماده ۵۵ قانون مدنی، «وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». پس به موجب آن، اصل مال (مثل خود خانه) غیرقابل خرید و فروش شده، اما منافع آن (مثل سکونت در خانه) قابل بهره‌برداری است. همانند دیدگاه‌های فقهی، از نص ماده فوق برمی‌آید که فقط عین اموال قابلیت وقف کردن را دارد (صفائی، ۱۳۹۸، ص. ۲۸۳) به عبارت دیگر، موضوع وقف، تنها عین اموال است (باریکلو، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۱). بنابراین، وقف دست‌کم شامل اعمال نمی‌شود و از این رو، فعالیت داوطلبانه در کتابخانه را نمی‌توان از منظر نظام حقوقی ایران در قالب وقف به شمار آورد.

بررسی ماهیت حقوقی فعالیت داوطلبانه در کتابخانه در قالب بیست الگوی فوق، برای رد و نقد روال و روش برخی از پژوهشگران و نویسندگان حقوقی بوده است و الا نگرانندگان این شکل بررسی را از اساس

ضروری نمی‌دانند.

نامعین بودن قرارداد کار داوطلبانه در کتابخانه‌ها

قالب‌های بی‌نام یا به تعبیر قانون مدنی قراردادهای خصوصی و به تعبیر حقوق ایران «عقود غیرمعین/نامعین» قراردادهایی هستند که نام و احکام و شرایط آن توسط قانونگذار معین نشده است. ماده ۱۰ قانون مدنی در این خصوص مقرر داشته است:

قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

بی‌تردید قرارداد فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه با هیچ قانونی ناسازگار نیست، اما به شمار آوردن آن در قالب قرارداد خصوصی/عقد بی‌نام یا غیرمعین، دارای این مشکل است که این قبیل قراردادها را برخی از حقوق دانان ایران از اساس قبول ندارند. یکی از آنان بر این باور است که با وجود قواعد مربوط به صلح در قانون مدنی، ماده مذکور بی‌فایده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص. ۲۳۵۸). بر اساس این مبنا وقتی می‌توان فعالیت داوطلبانه در کتابخانه را صلح به شمار آورد که نام، احکام و شرایط آن را قانونگذار از پیش تعیین و الگودار کرده است، اصلاً نیازی به ماده ۱۰ قانون مدنی و به شمار آوردن ماهیت فعالیت داوطلبانه در کتابخانه در قالب قرارداد غیرمعین و بی‌نام نیست. در نقد این دیدگاه می‌توان گفت:

۱. ضرورتی که فقها را به معنای وسیع و گسترده به سمت صلح سوق داده، یک ضرورت فقهی بوده است. آنان برای الزام‌آوری تعهدات، یا متوسل به عقود معین موجود در ادله شرعی می‌شدند و اگر آن ممکن نبود، متوسل به معنای وسیع و انعطاف‌پذیر صلح می‌شدند (نوبین و خواجه پیری، ۱۳۹۱، ص. ۲۵۰). این در حالی است که با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی، چنین ضرورتی در نظام حقوقی ایران نیست. بر اساس این، اتفاقاً با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی، قانونگذار نیازی به معنای وسیع صلح نداشت و اتفاقاً برخی از احکام صلح اضافی و زاید است.

۲. اخذ معنای وسیع صلح در موادی از قانون مدنی مانند ماده ۷۵۸، موجب «رواج حيله» و در نتیجه «رواج اختلاف» می‌شود. جای تعجب است که برخی از حقوق دانان با وجود عنایت به امکان این حيله (لنگرودی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص. ۲۳۵۸-۲۳۵۹) باز هم از قواعد حقوقی حاکم بر صلح در قانون مدنی طرفداری کرده‌اند نه از ماده ۱۰.

۳. معنای خاص صلح (صلح در مقام اختلاف) یک عقد معین شایسته و بایسته است که کارکرد فرازمانی دارد. اما معنای وسیع صلح، با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی ایران، کارکرد خود را از دست داده و بر اساس تالی فاسدهایی که دارد، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای امروزی باشد، بلکه اتفاقاً ماده

۱۰ قانون مدنی ایران پاسخگوی نیازهای امروزی است. صلح مذکور یک عقد معین است، لذا دارای چارچوب‌های از پیش تعیین شده توسط قانونگذار است؛ این در حالی است که قراردادی که به موجب ماده ۱۰ منعقد می‌شود، مبتنی بر اراده آزاد طرفین است.

۴. حقوق طرفین فعالیت داوطلبانه در کتابخانه به فراخور صلح محسوب شدن و یا قرارداد بی‌نام محسوب شدن، تفاوت خواهد کرد. به عنوان نمونه، به تصریح ماده ۷۵۴ قانون مدنی ایران، صلح قراردادی لازم است و از این رو، قابل برهم زدن نیست. این در حالی است که لازم یا جایز محسوب کردن آن در فرض عقد بی‌نام بودن، بسته به توافق طرفین است.

اوصاف حقوقی قرارداد کار داوطلبانه در کتابخانه‌ها

مهمترین ویژگی‌های حقوقی قرارداد کار داوطلبانه در کتابخانه، به قرار زیر است:

۱. رضایی بودن

فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، توافقی رضایی است. زیرا اصل در هر قراردادی رضایی بودن است (باقری، ۱۳۸۴، ص. ۱۵). رضایی بودن به معنای غیرتشریفاتی بودن و غیرعینی بودن آن است. پس، اصولاً انعقاد و صحت بیع نیازمند تشریفات خاصی (از جمله تنظیم سند در دفترخانه) نیست و نیازمند قبض چیزی (عینیت قبض) هم نیست (در باب اصل رضایی بودن عقود رج. به قاسم‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۴۰).

۲. عهدی بودن

عهدی در برابر تملیکی به کار می‌رود. منظور از تملیکی، قراردادی است که نتیجه و اثر اصلی، اساسی و مستقیم آن انتقال مالکیت است نه ایجاد یا انتقال یا سقوط تعهد. روشن است که فعالیت داوطلبانه در کتابخانه تملیکی نیست، زیرا اولاً موضوعی برای مالکیت نیست و ثانیاً به موجب آن تعهداتی بر طرفین بار می‌شود و وقتی تعهدی برای طرفین به وجود می‌آید، آن عمل، عهدی خواهد بود (رج. بهرامی، ۱۳۹۲، ص. ۲۰).

۳. غیرمعوض بودن

سرشت و ذات فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، آمیخته با عوّض و بها نیست بلکه رایگان و غیرمعوض است و از این رو، نهاد کتابخانه ملزم به پرداخت دستمزد نیست. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که «آیا دادن کادو، پاداش، گواهی فعالیت و موارد مشابه با این غیرمعوض بودن ناسازگار نیست؟». به نظر می‌رسد این امور با ذات رایگان این قبیل فعالیت‌ها در تعارض نیست چون امری فرعی است در کنار امر اصلی توافق شده.

۴. غیرمبادله‌ای بودن

در فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، دو عوض در برابر هم مبادله نمی‌شوند، از این رو، حق حبس در آن فاقد معنا است. حق حبس یکی از ضمانت‌اجراهای قراردادهای معاوضی است که به موجب آن یکی از طرفین می‌تواند تا تحویل عوض از پرداخت عوض مقابل امتناع کند (رج. قاسم‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۹۷).

۵. مسامحه‌ای بودن

مبنای ارائه‌دهنده کار داوطلبانه و کتابخانه از این فعالیت، به دست آوردن سود بیشتر از دیگری نیست بلکه مبنای طرفین تسامح است نه مغاینه و به دست آوردن سود مالی. از این رو غرر (جهل) موجب بطلان نیست و علم تفصیلی برای صحت آن شرط نیست. بنابراین، لازم نیست که موضوع فعالیت، به شکل دقیق و کامل مورد توافق قرار گیرد. به عبارت دیگر، چون معاوضی نیست، مغاینی هم نیست (باقری، ۱۳۸۴، ص. ۱۴).

۶. محسنانه بودن

گفتیم فعالیت داوطلبانه در کتابخانه معوض و معاوضی نیست. پس مقصود در آن به دست آوردن عوض و یا مبادله نبوده و به قصد احسان انجام می‌گیرد. بنابراین، غبن موجب اختیار فسخ نخواهد شد.

۷. لازم بودن

اصل در قراردادهای لزوم است، یعنی اصولاً قابل فسخ نیست مگر این که اختیار فسخ وجود داشته باشد (باقری، ۱۳۸۴، ص. ۱۱). بنابراین، اگر توافقی برخلاف لازم بودن کارداوطلبانه نشده باشد، غیرقابل برهم‌زدن خواهد بود اما اگر از قبل توافقی شده باشد، بر مبنای آن عمل خواهد شد.

۸. موقت بودن

فعالیت داوطلبانه در کتابخانه محدود به زمان مشخصی است و از این رو موقت است نه دائمی.

۹. تدریجی بودن

از منظر موضوع، توافق بر فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، قراردادی فوری نیست، بلکه مستمر و تدریجی است؛ زیرا این فعالیت‌ها در طول زمان انجام می‌گیرد.

۱۰. الحاقی بودن

فعالیت داوطلبانه در کتابخانه مبتنی بر خواست نهاد کتابخانه است و در مورد آن گفتگوی آزادی بین طرفین انجام نمی‌گیرد، بلکه ارائه‌دهنده فعالیت داوطلبانه، خود را ملحق به خواست نهاد کتابخانه می‌کند. این نوع قراردادها را از منظر حقوقی، قرارداد الحاقی می‌نامند (رج. قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۴۵).

۱۱. بی‌نام بودن

نه «عنوان فعالیت داوطلبانه در کتابخانه» و نه «احکام و شرایط آن» در هیچ قانونی معین نشده و از این رو، قراردادی بی‌نام است.

نتیجه‌گیری

از منظر حقوقی، فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، توافقی است: رضایی؛ عهده‌ای؛ غیرمعمول؛ غیرمبادله‌ای؛ مسامحه‌ای؛ محسانانه؛ لازم؛ موقت؛ تدریجی؛ الحاقی و بی‌نام. توافقی بودن آن، مانع این است که بتوان آن را ایقاع (عمل حقوقی تک‌جانبه) به شمار آورد. الحاقی بودن آن نیز مانع قرارداد بودنش نیست، زیرا صرف محدودیت آزادی گفتگو در باب قرارداد، نه قرارداد بودن آن را زیر سؤال می‌برد و نه ارائه‌دهنده کار داوطلبانه را در اضطرار قرار می‌دهد، بگذریم از این که اضطرار اصولاً مانع نفوذ و صحت قرارداد نیست. همچنین، قرارداد محسوب کردن آن به رسالت حقوق (نظم‌بخشی عادلانه) نزدیکتر است، زیرا تنها در این فرض است که «اراده مشترک طرفین» در تفسیر قرارداد مبنا و اساس قرار می‌گیرد.

در باب عقد معین یا غیرمعین بودن فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، با توجه به این که قانونگذار به مفهوم-شناسی و حکم‌شناسی آن نپرداخته، نمی‌توان آن را معین دانست، بلکه غیرمعین به شمار می‌آید که در نتیجه آن اصولاً تمامی جوانب قرارداد بسته به چگونگی توافق ارائه‌دهنده کار داوطلبانه و نهاد کتابخانه خواهد بود. آنچه توهم امکان توجیه آن در قالب عقود معین را موجب می‌شود، بیش از همه به سبک قانونگذار ایران در پردازش عقود برمی‌گردد. سبک وی از این قرار است که به رغم پذیرش قرارداد خصوصی (غیرمعین) در ماده ۱۰ قانون مدنی و کاربست عقد در ترادف با قرارداد، در مصداق‌شناسی و حکم‌شناسی عقود معین از رسوم فقهی (پرداختن به عقود منصوص در ادله روایی) تبعیت کرده است. این در حالی است که چنین امری بر اساس سرشت فقه (کشف احکام شرعی از متون روایی) امری طبیعی است؛ اما از قانونگذاری که در پی وضع قانون عرفی برای نظم‌بخشی عادلانه به روابط یک جامعه مشخص است، قابل انتظار نیست.

معین یا غیرمعین محسوب کردن فعالیت داوطلبانه در کتابخانه، تأثیر مستقیم بر کم و کیف حقوق طرفین دارد. در صورتی که معین محسوب شود، در واقع، اراده طرفین فعالیت‌های داوطلبانه محصور در قالب‌های از پیش تعیین‌شده‌ای می‌شود که ممکن است از اساس ملحوظ اراده طرفین نباشد. همین امر به نوبه خود، موجب چالش‌ها و اختلافاتی بین نهاد کتابخانه و ارائه‌دهنده فعالیت داوطلبانه می‌شود و در نتیجه رغبت افراد را به شروع و تداوم این فعالیت‌ها در جامعه کاهش می‌دهد، این در حالی است که فعالیت داوطلبانه در کتابخانه مزایای اجتماعی دارد که چون حقوق نیز به نوبه خود، دانشی است برای اجتماع، نباید مانع آن شود.

در بررسی موردی عقود معین مذکور در قانون مدنی نیز ثابت شده است که تنها عقود معینی که قابلیت بررسی فعالیت داوطلبانه در کتابخانه در آن قالب‌ها را دارد، سه عقد است. در مورد وقف، قواعد عمومی حاکم بر وقف در قانون مدنی ایران به دلیل اختصاص بر عین، شامل عمل (کار/فعالیت) نمی‌شوند، همچنین به دلیل این که نگارندگان در مقام تعارض قواعد حاکم بر صلح در قانون مدنی با قاعده مذکور در ماده ۱۰ همین قانون به سمت معنای محدود صلح متمایل شده‌اند، بر این باورند که توجیه آن در قالب صلح علاوه بر راهگشا نبودن، خود موجب چالش‌هایی می‌شود. همان گونه که گنجاندن آن در قالب وکالت نیز به معنای محدود ساختن طرفین این فعالیت مدرن، در قالب‌هایی است که ممکن است از اساس ملحوظ اراده طرفین نباشد. بر اساس این، تحقیق حاضر پیشنهاد می‌کند «فعالیت داوطلبانه» به عنوان قراردادی مجزا (غیرمعین) به رسمیت شناخته شده و تا قبل از تدوین و تقنین قواعد حقوقی و قوانین مربوطه، بر مبنای قواعد عمومی حاکم بر قراردادها (به طور عام) و قاعده عام مذکور در ماده ۱۰ قانون مدنی (به طور خاص)، اصولاً نافذ دانسته شده و بر مبنای اراده مشترک طرفین و عناصر بدیهی این سنخ فعالیت‌ها (از جمله انجام کار غیراجباری و عدم دریافت دستمزد) تفسیر شود. مسلم است که در این تفسیر حقوقی، نباید نظم عمومی و عدالت آسیب ببیند. به عنوان مثال، نباید سازمانی که بدان خدمت می‌شود را در مقابل هرگونه مخارج ارائه‌دهنده کار داوطلبانه، از منظر حقوقی غیرمسئول دانست و لو در قرارداد تصریح نشده باشد.

احتمالاً، آنچه گفته شد به اندازه کافی مبین ضرورت وجود «قرارداد فعالیت داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران» است که بی‌شک، تنظیم شایسته آن، نیازمند تخصص حقوقی مربوطه است. از این رو، در نهایت، پیشنهاد می‌شود متولیان امور کتابخانه، از جمله نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و سایر نهادهای مادر کتابخانه‌های ایران، اعم از عمومی، تخصصی، دانشگاهی و غیره در قالب تشکیل کارگروه‌های حقوقی یا برون‌سپاری این امر به نهادهای حقوقی و یا حقوق‌دانانی که تخصص کافی و لازم در این باب را دارند، در جهت تنظیم و تدوین قرارداد کار داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران، گام‌های جدی بردارند. همچنین با تشکیل کارگاه‌های آموزشی، سخنرانی و دیگر موارد مشابه، این مقوله نوین و مفید را بیشتر در جامعه معرفی کنند.

سپاسگزاری

نگارندگان لازم می‌دانند از داوران محترم به خاطر مطالعه مقاله و ارائه نظرهای ارزشمند، سپاسگزاری نمایند.

منابع فارسی

- اسمیت، جاستین دیویس (۱۳۸۰). فعالیت‌های داوطلبانه، سرمایه آینده. پیام یونسکو. ۳۲(۳۷۲)، ۲۰-۲۱.
- ایزدی‌فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین (۱۳۸۷). بررسی فقهی-حقوقی قرارداد پیش‌فروش آپارتمان. فقه و حقوق. ۱۸، ۸۷-۱۱۴.

- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۰). *اموال و حقوق مالی*. تهران: سمت، چاپ اول.
- باقری، احمد (۱۳۸۴). *فقه مدنی، عقود تملیکی، بیع-اجاره*. تهران: سمت، چاپ اول.
- بهرامی، بهرام (۱۳۹۲). *حقوق مدنی (۶)، عقد بیع-عقد اجاره*. تهران: نگاه بینه، چاپ چهارم.
- پیرهادی، محمدرضا (۱۳۹۴). *حقوق مدنی، عقود معینه مختلفه، جلد اول، در بیع و اجاره*. تهران: خرسندی، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵). *مبسوط در ترمینولوژی حقوقی*. تهران: گنج دانش. چاپ هفتم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). *فلسفه حقوق مدنی، اصول عامه اذن و اذنیات*. تهران: گنج دانش. چاپ دوم.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۸). *حقوق مدنی (۶)، بیع، اجاره، قرض، جعاله، صلح*. تهران: میزان، چاپ اول.
- حائری، محمد حسن؛ لشگری، محمد؛ سمیعی میرک محله، سمیرا (۱۳۹۲). *نسبت‌سنجی بازاریابی شبکه‌ای با عقود معین و غیرمعین*. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۴(۱)، ۷۹-۱۰۰.
- شمس، احمد؛ منصور، سعید (۱۳۹۲). *حقوق مدنی، عقود معین، جلد اول، بیع، معاوضه، اجاره، صلح، قرض، جعاله*. تهران: دادگستر، چاپ اول.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۱). *حقوق مدنی (۶)، عقود معین (بیع، معاوضه، اجاره، جعاله، قرض و صلح)*. تهران: مجد، چاپ پانزدهم.
- صفائی، سیدحسین (۱۳۹۸). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، اشخاص و اموال*. تهران: میزان، چاپ بیست و هفتم.
- صفائی، سیدحسین (۱۳۹۷). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها*. تهران: میزان، چاپ سی‌ام.
- صفائی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*. تهران: سمت، چاپ دوم.
- صفری، محسن؛ مشهدیان، شهاب (۱۳۸۹). *بررسی ماهیت قرارداد فرانچایز در حقوق ایران*. فصلنامه حقوق، ۴۰(۱۰۱)، ۱۶۷-۱۸۲.
- طباطبائی، سید محمد صادق؛ کیانی، عباس (۱۳۹۳). *تبیین ماهیت حقوقی قرارداد پیش فروش ساختمان*. مجله حقوقی دادگستری، ۷۸(۸۵)، ۴۵-۸۲.
- عدل، مصطفی (۱۳۷۳). *حقوق مدنی*. قزوین: بحرالعلوم.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۹۲). *حقوق مدنی، مختصر قراردادها و تعهدات*. تهران: دادگستر، چاپ دهم.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۹۳). *حقوق مدنی، عقد بیع و شروط و خیارات*. تهران: میزان، چاپ اول.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۹). *حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات*. تهران: نشر دادگستر، چاپ چهاردهم.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی؛ ره پیک، حسن؛ کیایی، عبدالله (۱۳۸۸). *تفسیر قانون مدنی*. تهران: سمت، چاپ سوم.
- قاسمی اصل اصطهباناتی، محمد جواد (۱۳۹۹). *بررسی و تحلیل مفهوم، ادله، ضوابط و موانع پویایی در عقود*. معرفت، ۲۹(۲۷۲)، ۲۳-۳۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). *دوره حقوق مدنی، عقود معین، جلد اول*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت*. تهران: میزان، چاپ چهارم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفدهم.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۸). *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوم.
- مرجانی، سیدعباس؛ زارعی، عاطفه؛ بیات، بهروز (۱۴۰۰). *شناسایی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های داوطلبانه در کتابخانه‌های ایران با*

ارائه الگوی نظری. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۴(۴)، ۳۰-۵.

نوین، پرویز؛ پیری، عباس (۱۳۹۱). حقوق مدنی (۶)، عقود معین (یک). تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم.

منابع عربی

- شهیدی تبریزی، فتاح (۱۳۷۵ق). هدایه الطالب إلى أسرار المكاسب. تبریز: چاپخانه اطلاعات، چاپ اول.
- عاملی، محمد (۱۴۱۰ق). اللعمه الدمشقیه فی فقه الإمامیه. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیه، چاپ اول.
- عاملی، زین‌الدین (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح اللعمه الدمشقیه (المحشی - کلاتر). قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.
- عاملی، زین‌الدین (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول.
- غروی نائینی، محمد حسین (۱۳۷۳ق). منیه الطالب فی حاشیه المكاسب. تهران: المکتبه المحمدیه، چاپ اول.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). مصباح الفقاهه. قم: انصاریان، بدون تاریخ چاپ.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.

References

- Ameli. Z. (1989). *al- Lumah*. Beirut: Dar al-Turath & Dar al-Islanmiyah.
- Ameli. Z. (1989). *Explain to al- Lumah*. Qom: Davari.
- Ameli. Z. (1992). *Masalek al-Afham*. Qom: al-Maaref al-Islamiyah.
- Adl, M. (1994). *Civil Law*. Qazvin: Bahr al-Ulum. (in Persian)
- Benjamin, R. M. (2008). *The General Principles of the American Law of Sale of Goods*. BiblioBazaar.
- Bagheri, A. (2005). *Civil Jurisprudence, Translative Contracts, Sale-Rent*. Tehran: Samt. (in Persian)
- Bariklou, A. (2011). *Property Law*. Tehran: Samt. (in Persian)
- Borujerdi Abdoh, M. (1950). *Civil Law*. Tehran: Mohammad Ali Elmi. (in Persian)
- Bahrani, B. (2012). *Civil Law* (6). Tehran: Negahebayyeneh. (in Persian)
- Freitag, M. (2003). Social capital in (dis) similar democracies: The development of generalized trust in Japan and Switzerland. *Comparative political studies*, 36(8), 936-966.
- Garavi Naini, M. H. (1953). *Moniyat al-Taleb*. Tehran: al-Mohammadiyah.
- Hayati, A. A. (2019). *Civil Law* (6). Tehran: Mizan. (in Persian)
- Jafari-Langroudi, M. J. (2011). *Philosophy of Civil Law*. Tehran: Gang-e-Danesh. (in Persian)
- Jafari-Langroudi, M. J. (2016). *Mabsoot Dictionary Terms of Law*. Tehran: Gang-e-Danesh. (in Persian)
- Katouzian, N. (2015). *Elementary Courses of Iranian Civil Law: Juridical Facts, Tort Liability*. Tehran: Enteshar. (in Persian)
- Katouzian, N. (2013). *Elementary Courses of Iranian Civil Law: Specified Contracts, Volume 1*. Tehran: Enteshar. (in Persian)
- Katouzian, N. (2014). *Elementary Courses of Iranian Civil Law: Juridical Acts, Contract-Unilateral Acts*. Tehran: Enteshar. (in Persian)
- Katouzian, N. (2014). *Elementary Courses of Iranian Civil Law: Property and ownership*. Tehran: Mizan. (in Persian)

- Katouzian, N. (2012). *Civil Law (6), Specified Contracts (1)*. Tehran: Gang-e-Danesh. (in Persian)
- Marjani, S. A., Zarei, A., & Bayat, B. (2022). Identifying the factors and components affecting voluntary activities in Iranian libraries and presenting a proposed model, *Library and Information Sciences*, 24(4), 5-30. (in Persian)
- Mohaghegh Damad, S. M. (2009). *General Theory of Conditions and Obligations in Islamic Law*, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (in Persian)
- Mousavi khoei. S. A. (nd). *Mesbah al-Fighaha*. Qom: Ansariyan.
- Najafi, M. S. (1983). *Javaher al-Kalam*. Qom: Ansariyan.
- Pirhadi, M. R. (2015). *Civil Law*. Tehran: Khorsandy. (in Persian)
- Qasemzadeh, S. M. (2013). *Civil Law, A Concise of Contracts and Obligations*. Tehran: Publication Dadgostar. (in Persian)
- Qasemzadeh, S. M. (2014). *Civil Law, The Contract of Sale, Conditions and Options*. Tehran: Mizan. (in Persian)
- Qasemzadeh, S. M. (2010). *Civil Law, The Law of contracts and Obligations*. Tehran: Publication Dadgostar. (in Persian)
- Qasemzadeh, S. M. & Rahpeyk, H. & Keyani, A. (2009). *The Interpretation of Civil Code*. Tehran: Samt. (in Persian)
- Shams, A., & Mansouri, S. (2013). *Civil Law, Specified Contracts, Volume 1, Sal, Exchange, Rent, Peace, Loan, Reward*. Tehran: Publication Dadgostar. (in Persian)
- Shahidi, M. (2012). *Civil Law (6)*. Tehran: Majd. (in Persian)
- Safai, S. H. (2019). *Elementary Courses of Civil Law, Volume 1*. Tehran: Mizan. (in Persian)
- Shahidi Tabrizi, F. (1955). *Hedayat al-Taleb*. Tabriz: Ettelaat.
- Safai, S. H., & Rahimi, H. (2011). *Civil Liability (Extra-Contractual Obligations)*. Tehran: Samt. (in Persian)
- Smith, J. d. (2001). Voluntary activities, future capital. *Payam -e- UNESCO*. 32(372), 20-21. (in Persian)
- Walters, W. (2002). Social capital and political sociology: re-imagining politics? *Sociology*, 36(2), 377-397.